

گزارش «شرق» از افتتاحیه پرهیاهوی یکی از پروژه‌های پارس جنوبی که به نظر کارشناسان نتیجه درخور توجهی نخواهد داشت

عسلویه در قابی تازه



است و با تنها پنج میلیارد دلار جمع‌آوری می‌شود هم نمی‌تواند سامان دهد.

این در حالی است که جمع‌آوری این گاز در یک سال اول هزینه انجام‌شده را جبران می‌کند و سال‌های بعدی تماماً برای کشور سود می‌آورد؛ اما وقتی ما حتی توان تهیه پنج میلیارد دلار را نداشتیم؛ یعنی دو اتم سرمایه و فناوری را که پیش‌شرط توسعه کامل یک میدان گازی است، نداریم؛ بنابراین حدس قوی من این است، کاری انجام شده که با بقیه جاها انجام می‌شود؛ سیاست وصله و پینه است؛ یعنی امکانات و تجهیزات را از جایی به جای دیگری منتقل می‌کنند.»

نکته دیگری که این متخصص انرژی به آن اشاره می‌کند، این است که آیا راه‌اندازی فاز ۱۱ پارس جنوبی از نظر اقتصادی صرفه کافی دارد؟

اورعی تأکید می‌کند که «میدان پارس جنوبی قدیمی است و تقریباً همه فزایشش در نیمه دوم عمر خود هستند و اگر وضعیت از نظر سیاست خارجی عادی بسود و تحت تحریم نبود، به احتمال زیاد ارزیابی کشورهای صاحب فناوری از وضعیت پارس جنوبی این بود که در این جاه‌ها را ببندند و جاه جدید بزنند؛ چون هرچه عمر چاه‌های گازی بالا برود، هزینه نگهداشتن فشار و حفظ تولیدشان بالا می‌رود و در جایی از نقطه سر به سر می‌گذرد و دیگر اصلاً اقتصادی نیست. درحال حاضر چاه‌های پارس جنوبی به‌زودی از حیز ارتفاع خارج می‌شوند و این‌همه تبلیغات برای راه‌اندازی بخش کوچکی از آن معنا ندارد. ضمن اینکه بهتر است دولت به جای افزایش تولید، آن‌هم در شرایطی که صادرات به‌سختی پیش می‌رود، فکری به حال کنترل مصرف کند.»

آمار تولید در مقایسه با قرارداد توتال بسیار کوچک است

رضا پدیدار، رئیس سابق کمیسیون انرژی اتاق تهران و نایب‌رئیس فعلی کمیسیون پول و سرمایه اتاق تهران هم با اشاره به داده‌های تولید در پارس جنوبی معتقد است کاری که امروز در فاز ۱۱ پارس جنوبی انجام شده، اتفاق چندان جدیدی نیست؛ بلکه کار کوچک و روتینی انجام شده که در مقام مقایسه با توانایی بالقوه فاز ۱۱ طبق قراردادی که با توتال فرانسه و سپس شرکت ملی نفت چین بسته شده بود، بسیار اندک است.

او می‌گوید: «فاز ۱۱ پس از کناررفتن توتال و چینی‌ها از طریق توسعه شرکت ملی نفت به دست گرفته شد و نسبت به سازه‌های دریایی برای بخشی از حفاری‌هایی که صورت گرفته بود، اقدام کردند. طبیعتاً انتظارات بر مبنای آنچه توتال قرار بود محقق کند، برآورده نشد و امروز مقامات رقم تولیدی را ۱۴۰۵ تا ۱۸۰۵ و ۱۰ تا ۲۰ میلیون مترمکعب اعلام می‌کنند. من بشخصه نمی‌دانم کدام‌یک از این آمارها صحیح است؛ اما اگر میانگین را ۱۴۰۵ میلیون متر مکعب بگیریم، شاید به واقعیت نزدیک‌تر باشد؛ اما اینکه چقدر سرمایه‌گذاری شده، چقدر زمان برده و… را کسی نمی‌داند.»

حالا افتتاح فاز ۱۱ پارس جنوبی در شرایطی رخ داده است که بنا به گفته کارشناسان در این فاز عملاً پالایشگاه و تجهیزاتی برای شیرین‌سازی گاز وجود ندارد. با این حساب برای تزریق گاز به خطوط لوله باید ابتدا گاز برای شیرین‌سازی به جای دیگری منتقل شود و این یعنی عملاً هیچ اتفاق خاصی نیفتاده است. این کارشناسان می‌گویند که بخش اصلی این کار احداث سکو بود که دولت در سه سال گذشته به انتقال سکو از فاز ۱۲ به فاز ۱۱ پسنده کرده و مابقی کار حفاری‌هایی بوده که در روال عادی صورت می‌گرفته است. هرچند به گفته این کارشناسان، دولت به دلیل تحریم و نبود امکان جذب سرمایه و دانش فنی راه دیگری پیش‌رو نداشت است و البته برآورد متخصصان این است که با این اقدام حداکثر ۱۵ تا ۲۰ میلیون مترمکعب به ظرفیت روزانه تولید گاز افزوده می‌شود که عدد درخور توجهی نیست.



مفاه سلیمان بیگی: ناترازی گاز ایران امسال به حدود

۳۰۰ میلیون مترمکعب در روز رسیده است. براساس برنامه ششم توسعه بنا بود تزریق گاز سبک به شبکه انتقال سراسری به یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون مترمکعب برسد؛ اما حداکثر تولید گاز درحال حاضر تنها حدود ۸۵۰ میلیون مترمکعب است. این داده‌هایی است که شرکت ملی گاز منتشر کرده و از فقر سرمایه‌گذاری در صنایع بالادستی نفت و گاز گفته است. کمبود سرمایه‌ای که جواد اوجی، وزیر نفت، آن را تا ۲۵۰ میلیارد دلار برآورد می‌کند. حالا دولت ماه‌هاست برای افتتاح فاز ۱۱ پارس جنوبی تبلیغات گسترده راه انداخته و این تبلیغات حتی به یلبودهای شهری رسیده است و دیروز ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری، برای افتتاح این پروژه راهی عسلویه شد؛ اما متخصصان انرژی می‌گویند که این تبلیغات پرهیاهو برای هیچ است؛ چراکه تمام کاری که انجام شده این است که سکوی را از جایی باز کرده‌اند و به فاز ۱۱ پارس جنوبی آورده‌اند تا از جاه‌های قدیمی و مستهلکی که دیگر صرفه اقتصادی ندارند، روزانه حداکثر ۱۵ تا ۲۰ میلیون مترمکعب گاز استخراج کنند؛ رقمی که فقط حدود یک‌پانزدهم کسری گاز ایران را پوشش می‌دهد.

سیاست وصله و پینه؟

روز دوشنبه ششم شهریور، افتتاح فاز ۱۱ میدان پارس جنوبی بعد از روزها تبلیغات، با حضور رئیس جمهور انجام گرفت. همان فازی که قرار بود زمانی توتال فرانسه و بعد هم سی‌ان‌پی‌سی چین آن را به تولید برسانند؛ ولی با شدت‌گرفتن تحریم‌ها هر دو کنار کشیدند. حالا دولت سیزدهم می‌گوید که با وجود تحریم‌ها و فقط با تکیه بر توان داخلی فاز ۱۱ را تکمیل و آماده تولید کرده است.

طبق گفته رسانه‌های حامی دولت نیمه دی‌ماه سال ۱۴۰۰ گروه پتروپارس از ابلاغ رسمی دو قرارداد مهم برای تسریع در توسعه فاز ۱۱ خبر داده و اعلام کرده که این قراردادها مربوط به اجرای خط لوله دریایی، همچنین انتقال، اصلاح و نصب سکوی تولیدی است.

جالب اینکه این رسانه‌ها اقدام دولت سیزدهم را «ایتکار راهگشا» توصیف کرده‌اند و نوشته‌اند که خلا ناشی از ساخت سکو را که معمولاً سه سال به طول می‌انجامد، جبران کرده تا تولید از این میدان هرچه زودتر نهایی شود.

این در حالی است که ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۹۹ و پیش از روی کار آمدن دولت سیزدهم، رسول قلاچ‌نژاد، مدیر مهندسی و ساختمان شرکت نفت و گاز پارس، در گفت‌وگویی با تسنیم از انتقال سکوی فاز ۱۲ به فاز ۱۱ خبر داده بود.

با راهبری ایمیدرو و به مناسبت هفته دولت اعلام شد

فولاد مبارکه بیشترین سهم در صرفه جویی ارزی را به خود اختصاص داد



از ابتدای سال ۱۳۸۱ تاکنون بیش از ۱۰۰ هزار قطعه و تجهیز در داخل کشور بومی‌سازی شده که علاوه بر تأمین به‌موقع و پایدار و کیفی، صرفه‌جویی حدود ۲٫۶۴۸ میلیون دلار را در پی داشته است.

وی ادامه داد: بخشی از این اقلام که به دست توانمند شرکت‌های سازنده داخلی با محوریت فولاد مبارکه بومی‌سازی شده‌اند عبارت‌اند از: قطعات و تجهیزات پیچیده، استراتژیک و حساس موردنیاز خطوط تولید از قبیل مندریل نورد گرم، کم‌برسور فرایند احیا، کوره‌های باکس آتیلنیک، فن فرایند کندله‌سازی و بسیاری از اقلام دیگر.

عطایی‌پور تصریح کرد: با سرمایه‌گذاری و حمایت و اعتماد فولاد مبارکه به شرکت‌های سازنده داخلی، شاهد خودکفایی کشور در زمینه طراحی و ساخت مواد، قطعات و تجهیزات موردنیاز صنعت فولاد هستیم و در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد از مواد، قطعات و تجهیزات موردنیاز خطوط تولید، داخلی است. وی عنوان کرد: علاوه بر موارد یادشده، امروز دانش فنی و تخصصی کارشناسان واحد بومی‌سازی مواد، قطعات و تجهیزات و کارکنان مرتبط در نواحی تولیدی و پشتیبانی فولاد مبارکه و شرکت‌های سازنده داخلی به میزان زیادی ارتقا یافته است. همچنین بانک اطلاعات سازندگان توانمند داخل کشور به‌صورت تخصصی ایجاد شده و همچنان در حال توسعه بوده و زنجیره بومی‌سازی از طریق ایجاد کنسرسیوم‌های ساخت داخل تشکیل شده است. معاون خرید شرکت فولاد مبارکه خاطر‌نشان کرد: انتقال دانش و تجربه بومی‌سازی به سایر شرکت‌های گروه فولاد مبارکه و به‌اشتراک‌گذاری آن با سایر صنایع فولادی و معدنی کشور در نمایشگاه‌ها و سمینارهای مختلف، ایجاد نمایشگاه مجازی بومی‌سازی و برگزاری و مشارکت در نمایشگاه‌های بومی‌سازی در داخل کشور برخی از دیگر دستاوردهای حاصل‌شده در جریان تمرکز فولاد مبارکه در حوزه بومی‌سازی است.

وی در خاتمه سخنان خود تصریح کرد: شاه‌بیت تمامی این فعالیت و سرمایه‌گذاری‌ها را می‌توان در این واژه‌ها جست‌وجو کرد: اعتماد به جوانان و سرمایه‌های داخلی نظیر شرکت‌های دانش‌بنیان و سازندگان، رهایی از وابستگی و رسیدن به خودکفایی، بی‌نیازی از واردات و جلوگیری از خروج ارز، اشتغال‌زایی پایدار برای جوانان، ایجاد امید و انگیزه در جامعه، توسعه اقتصادی و…

در جداول بخشی از دستاوردهای فولاد مبارکه در حوزه بومی‌سازی که به صرفه‌جویی ارزی برای کشور و سایر مزایای یادشده منجر شده، اشاره شده است.

ادامه از صفحه اول

بریکس، درخت دوستی یا نهال دشمنی؟

و خود پاسخ می‌دهد: «بیزرا دولت سیزدهم خط «دیپلماسی التماسی» جریان غرب‌گرا را رعایت نکرد و به‌جای توجه صرف به غرب، شرق را برای همکاری اقتصادی خود انتخاب کرده است» (۱۴۰۲/۶/۵). این خبرگزاری در ادامه تحلیل خود از بی‌تفاوتی اصلاح‌طلبان نسبت به «کشایش‌های دیپلماسی در دولت سیزدهم» به‌شدت گلایه و عنوان می‌کند همین «اصلاح‌طلبان در روزنامه‌های خود با تیتراهای عجیب و غریب به استقبال برجام رفع تحریم‌ها رفته بودند» (همان). این در حالی است که در بیانیه پایانی همین اجلاس بریکس به‌طورکامل از برجام حمایت و عنوان شده «ما بر اهمیت حفظ برجام و قطع‌نامه ۲۳۳۱ شورای امنیت همچنین صلح و ثبات گسترده‌تر تأکید می‌کنیم و امید داریم که به‌زودی طرفین مرتبط با برجام با اجرای مؤثر و کامل آن بازگردند». درواقع عضویت در گروه بریکس یا پیمان شاکنهای یا اوراسیا و… نه در تضاد با برجام که درواقع هم‌راستا با آن و از لوازم تحقق عضویت در این گروه‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی و مهم‌ترین آنها «سازمان تجارت جهانی» است که کشورمان بزرگ‌ترین غایب آنهاست.

این نگاه صصی و نفی اشاره فقط به این مورد خلاصه نمی‌شود بلکه در نگاه به کلیت گروه بریکس و نیز اهداف اقتصادی آن و به‌ویژه ارز مورد معامله در این گروه هم تسری می‌یابد. چنان‌که درحالی‌که هم ساختار و هم ترکیب اعضای فعلی و آتی این گروه عمدتاً در جهت بسط و گسترش همکاری‌هاست و نه تقابل و نفی سایر بلوک‌های اقتصادی و سیاسی اما قرائت مسئولان کشورمان از عضویت در گروه بریکس، ضدیت این گروه با غرب و آمریکا معنا شده است. چنان‌که هم خود آقای رئیسی در سخنرانی خود بر این جنبه تأکید می‌کند (عضویت ایران در بریکس موجب تقویت رویکردهای اصولی این گروه از جمله مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی آمریکاست) و هم سایر مقامات و مسئولان و رسانه‌های اصولگرا و… (برای نمونه، «فعالیت و تلاش‌های کشورهای عضو می‌تواند چشم مهمی در پایان‌دادن به استعمار کشورهای توسعه‌طلب تلقی شود»- ولایتی، «ورود ایران به بریکس به تضعیف یک‌جانبه‌گرایی می‌انجامد» - صفری، معاون دیپلماسی وزارت خارجه و…) درحالی‌که حتی ولادیمیر پوتین نیز در نطق ویدئویی خود در این اجلاس این نگاه را تا حدی نفی می‌کند: «بریکس با کسی رقابت نمی‌کند و خود را مقابل کسی قرار نمی‌دهد»؛ و شی جین پینگ نیز «سازوکار بریکس را قطب‌نمای پیشرفت جامعه بشری» می‌خواند و اینکه «کشورهای بریکس باید هماهنگی و همکاری در مسائل جهانی و منطقه‌ای را تقویت کرده و تلاش‌های بیشتری برای ماینجیگری و حل مسائل حاد جهانی انجام دهند».

درباره مسائل اقتصادی نیز درحالی‌که سخن محوری آقای رئیسی «دلارزدایی» از تبادلات اقتصادی بود و آن را هدفی در دسترس و سهل‌الوصول عنوان می‌کرد، این موضوع‌گیری چندان در نبر رهبران کشورهای عضو و میهمان مقبولیتی نداشت. چنان‌که ولادیمیر پوتین دراین‌باره عنوان کرد که: «ارز واحد (بریکس) برای پرداخت‌ها موضوع بسیار پیچیده‌ای است اما به این سمت حرکت خواهیم کرد» و رهبران کشورهای چین و هند و برزیل نیز اعلام کردند نمی‌خواهند دلار را حذف کنند؛ چراکه این کشورها که تبادلات تجاری‌شان با آمریکا سر به هزاران میلیارد دلار می‌زند به‌خوبی می‌دانند این کار تا افق‌های آینده نه ممکن و نه مطلوب است (تنها تبادلات تجاری چین با اروپا و آمریکا حدود هزار و ۵۰۰ میلیارد دلار و صادرات نرم‌افزار هند به این کشورها حدود ۲۰۰ میلیارد دلار است. بخش اعظم تبادلات تجاری کشورهای برزیل و آفریقای جنوبی هم با اروپا و آمریکاست). یوستن به بریکس اقدامی مثبت و ارزشمند است و قطعاً اتفاقی نیست؛ اما برای آنکه اتفاقی و مبتنی بر نفی دیگری نباشد، نیازمند اتخاذ سیاست‌هایی اثباتی است که هم با ایجاد فضای آزاد و رقابتی و اصلاحات ساختاری در عرصه اقتصادی امکان جذب و ارتقای سرمایه مادی و فکری و زیرساخت‌ها فراهم شود و هم با تعامل هوشمندانه با همه کشورهای و از جمله کشورهای اروپایی و آمریکا و ژاپن و… حضور در زنجیره تولید و ارزش جهانی به نفع توسعه و پیشرفت کشور عزیزمان امکان‌پذیر شود. با نگاه ایدئولوژیک و رمانتیک به جهان و تعاملات اقتصادی قطعاً این مقصود حاصل نمی‌شود. ایران بیش از هر زمان دیگری امکان و نیاز به توسعه و دولت توسعه‌گرا دارد؛ دولتی که از امکانات و فرصت‌های جهانی در جهت ارتقای توانمندی‌های بسیار این مردم و سرزمین استفاده کند و به‌جای تعارض و نهال دشمنی، درخت دوستی بنشاند، چراکه «در گل‌های ناممکن هوا سرد است!»*

« چرا مردم نمی‌دانند / که لادن اتفاقی نیست … / که در گل‌های ناممکن هوا سرد است» (شعر آقایی، سهراب سپهری‌ش)

دانشگاه به‌منابه نهاد مولد فکر، آرمان و رؤیا

نهاد بعدی نهاد اقتصاد است که کارش استخراج منابع اقتصادی برای رسیدن به این آرمان‌هاست و مکانیسم آن هم پول است. نهاد بعدی سیاست است که کارش تدوین قوانین، برنامه‌ها و مدیریت و هماهنگ‌کردن منابع و نهادها برای تحقق آرمان‌هاست. حال چه اتفاقی در جامعه ایران افتاده است؟ نهاد سیاست، نقش و کارکرد تمام این نهادها را تصاحب کرده است. سیاست می‌خواهد هم آرمان تعریف کند و هم آن را درونی کند. هم پول تحقق آن آرمان‌ها را تأمین کند و هم به دنبال تحقق آن است. این است که اکنون آرمان و رؤیاهای موجود در کتاب‌ها، داستان‌ها، فیلم‌ها، محتوای برنامه‌های رسانه‌ای، یلبودها و جشنواره‌ها را اهل دانشگاه و فرهنگ تعریف نکرده‌اند؛ بلکه سیاسیون تعریف کرده‌اند.

اخراج و تعلیق استادان دانشگاه و پژوهشگران و نویسندگان ضربه جبران‌ناپذیری به نهاد تخصصی تولید آرمان و رؤیا در جامعه ایرانی می‌زند. پادمان باشد که کار قدرت سیاسی، زمینه‌سازی و ایجاد فضا و فرصت و پشتیبانی مطلوب برای تولید و ترویج فکر، آرمان و رؤیا و سپردن آن به نهادهای تخصصی علمی، دانشگاهی و فرهنگی است. هر نوع محدودیت برای این نهاد تخصصی، به‌منابه محروم‌سازی نسل‌های امروز و آینده ایران‌زمین از افکار و رؤیاهای درون‌زااست که پیامد آن مرگ رؤیا، ناامیدی اجتماعی، اعتبارزدایی از دانشگاه و مهاجرت نسل‌هایی است که باید در این کشور بمانند و رؤیای ایرانیان را بسازند. جامعه امروزین ما به امید، خلق رؤیا و تحقق رؤیا نیاز دارد.

« استادیار از لطبات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خسرو خسروی‌فر، قائم‌مقام خدمات پس‌از فروش گروه بهمن، می‌گوید اکیپ‌های امدادی این شرکت از ۶ تا ۱۸ شهریور آماده ارائه خدمت هستند. او در همین زمینه اضافه کرد: این طرح به مناسبت اربعین حسینی (ع) و برای ارائه خدمات به زائران حسینی برگزار می‌شود. قائم‌مقام خدمات پس‌از فروش گروه بهمن در توضیح نحوه استقرار اکیپ‌های امدادی این شرکت می‌گوید: نیروهای امدادی در محورهای پرتردد مرز مهران، شلمچه و مرز خسروی و استان‌های منتهی به مرزهای کشور با هماهنگی ارگان‌های ذی‌ربط مستقر شده‌اند.

خسروی‌فر از مشتریان گروه بهمن خواست در صورت نیاز به امداد خودرو، به تعمیرکاران غیرمعتبر و فاقد صلاحیت مراجعه نکنند. او در همین زمینه اطمینان داد که امدادگران و عاملیت‌های کشیک این شرکت تجهیزات و قطعات یدکی مانند باتری، قفل، کلید، ریموت و… را به همراه دارند که سرعت خدمت‌رسانی را افزایش می‌دهد. او دراین‌باره یادآور شد: «به‌کارگیری قطعات نامرغوب و اعتماد بی‌جا به تعمیرکاران غیرمجاز می‌تواند خسارت به بار آورد».

در همین راستا، عاملیت گروه بهمن در مسیرهای منتهی به این حرکت از تاریخ ۶ تا ۱۸ شهریور با افزایش ساعات فعالیت خود، آماده ارائه خدمات تعمیرات خودرویی به زائران خانواده بهمن هستند.

گروه بهمن با هدف مشارکت و ایفای مسئولیت اجتماعی در شور معنوی



پساده‌روی عظیم عزاداران سیدالشهدا و یارانش در اربعین حسینی، امدادگران خودرویی خود را در مسیر این حرکت عظیم معنوی بسیج کرده است.

گفتنی است برای ارائه خدمات مطلوب، واحد توسعه خدمات و امداد گروه بهمن بر نحوه ارائه خدمات امدادی نظارت کامل خواهد داشت. زائران گران‌قدر در صورت نیاز به دریافت خدمات امدادی می‌توانند با شماره تماس ۲۷-۴۸۰-۲۱ (داخلی ۱) یا موبایل اپ بهمن در تمام ساعات شبانه‌روز ارتباط بگیرند. مرکز تماس گروه بهمن با هدف افزایش رضایتمندی و خشنودی مشتریان، آماده دریافت نظرات همه اعضای خانواده بهمن است.